

شاهرخ زمانی اصلاح طلب بود - مسئولیت چپ انقلابی

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

شعبه تبلیغات در هر دستگاه امنیتی و جاسوسی زیر حوزه اداره امنیت داخلی است که علاوه بر شناسایی مخالفین داخلی اما که سازمان گسترده ای است در تلاش تبلیغاتی که خط و ربط رژیم را هدایت میکند. کار آنها شایعه پراکنی، تولید و پخش ضد اطلاعات تا تحریر و توزیع جعلیات تاریخی اجتماعی و... است. بخش V برای مثال از نخستین ها در این حوزه بود که در دل سازمان MIA بریتانیا فعال شد (سال ۱۹۰۹). جمهوری اسلامی با بهره گیری از ساختار ساواک (بدست ارتشبد فردوست) و سپس تاسیس وزارت اطلاعات (با مستشاران روسی) و بدست امثال سعید حجاریان ها رونوشت مدل بالا هستند. تولید تاریخچه سازمانها و احزاب سیاسی و مملو از جعلیات و ضد اطلاعات تا شبکه سازی رسانه ای کار آنهاست. در این راستا هم اکنون، شاهرخ زمانی از سوی برخی اصلاح طلب میشود و مدعی هستند او جز یک فضای متعادل که خواستگاه اصلاح طلبان سبزینه پوش است نمیخواست! این سخنان خنک و تحریفات روشن را برخی از سوی بوق های تبلیغاتی اپوزیسیون حکومتی میگویند و عده ای هم دانسته و نادانسته حتی بر سر مزار شاهرخ جان فشان در راه یک انقلاب اجتماعی تکرار میکنند. مطلب من گشت و گذاری است در مورد کارکرد بخش تبلیغات رژیم و ایسته به وزارت خانه اطلاعات و بازوی جاسوس پروری نظام اسلامی.

در بحبوحه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و سقوط دولت ملی محمد مصدق کتابی از سوی فرماندار نظامی منتشر شد بنام "کتاب سیاه". نویسنده اش را همان سرهنگ زیبایی معروف گفتند و برای این کتاب ما را به آدرس های دقیق اداره تبلیغات در حکومت نظامی بختیار که بعدها به ساواک (۱۳۳۵ خورشیدی) منتقل شد میبرد. کتاب یک تحریف تمام عیار و شانناژ و مجموعه ای بود از پرونده سازی و دروغ و دغل درباره حزب توده. حزب توده ای که هنوز بقایای آن فعال و دستگاه رهبری در خارج از کشور موجود بود. این کتاب هم اکنون نیز در کتابخانه من و مقابلم است. کاری بواقف نسنجیده و خنک که به ضد خود تبدیل شد. که دستگاه تبلیغات در زیر مجموعه اداره امنیت داخلی نیروهای امنیتی و جاسوسی بنا به توانایی گردانندگان آنها موظف هستند تا جامعه را از حقیقت اوضاع و مسایل دور کرده و افکار را در محدوده اهداف خود بسیج و هدایت نمایند. وسیله آنها هم دادن ضد اطلاعات بجای آگاهی به جامعه است.

بخش تبلیغات سازمانهای جاسوسی در چهار چوب های تعیین شده فعالیت مینمایند. مثلا در چارت سازمانی موسسه جاسوسی بریتانیا، مسئولیت های پخش شایعات هدف دار، تولید مطالب کذب و علیه حقیقت، تحریف مسایل مورد علاقه مردم و مهمتر از همه، تولید اندیشه هدف دار و کنترل کننده فعالیت ذهنی جامعه از وظایف همان بخش موسوم به V بود. در همین راستا بود که کشورهای جنوب نیز به رونوشت برداری ساختار سازمانی و عملکرد دستگاه های امنیتی و جاسوسی بزرگترها و کشورهای امپریالیستی دست زدند. آنانکه پس از جنگ

جهانی دوم سهم اردوگاه شرق واز اقمار اتحاد شوروی شدند. دستگاه سرکوب و هتک حرمت انسانی را از روی نمونه NKVD شوروی (قبل از KGB) بنا نهادند. غریبان اما که جدا دستگاه نوین جاسوسی و امنیتی خود را ابتدا سرهم بندی کردند ولی در خلال و بویژه پس جنگ، مدل SD یا امنیت خانه حزب نازی که به گشتاپو Gestapo پیوست رونوشت برداری شد. که غرب نه تنها پروژه های ساخت بمب اتم را توسط فن براون ها مال خود کرد که دستگاه جاسوسی خود را با کمک بازماندگان SS از نو سازماندهی نمود. که کار بخش تبلیغات و گرفتن نبض اندیشه پردازی جامعه در سیستم فاشیست ها و نازی ها بسیار وسیع و تعیین کننده بود. کشورهای جنوب ایران هم بعدها با رونوشت برداری از آنها تولید ساواک و... نمودند.

MIA بریتانیا همواره از بهترین چهره های روزنامه نگاری و تحریریه آنها سود برده و تا اندازه ای که در خلال جنگ های جهانی برخی از ارباب جراند رسما برای ام آی ۶ و ام آی ۵ (امنیت داخلی) کار میکردند. که بخش تبلیغات و ضد تبلیغات سرویس های امنیتی شمالی ها سر از حوزه کشورهای پیرامونی و امنیت خانه آنها هم در آورد. چاپ هزاران عنوان کتاب تحریف حقایق تاریخی، اجتماعی و تاریخ جنبش ها و وارونه جلوه دادن مسایل از جمله مسئولیت های آنها. حمله به آزادی خواهانی چون ژنرال ساندینو یا Zapata یا بعدها تحریف و زدن چهره ستیزه جوی Che Guevara و... از طریق چاپ و پخش میلیون ها جلد کتب سراسر تحریف و کذب نامه های امنیتی از کارهای آنها و چرا راه دور برویم. سری به انتشارات وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بزنیم و ارائه جعلیات و پرونده سازی هایی بنام تاریخچه چریکهای فدایی خلق از نخستین کنش ها... تا تاریخ نویسی های عوامل آنها در خارج از کشور. از ترتیب دادن مصاحبه های تلویزیونی و تحریر کتب سراسر اطلاعاتی و به منظور خاک پاشیدن به چشم ملت و تاریخ او بنام "در دامگه حادثه". نگاهی کنیم به روزنامه های رژیم به دستگاه مغز شویی بخش تبلیغات اداره امنیت داخلی وزارت اطلاعات در حوزه های شنیداری و دیداری. چنین است که با بهره گیری از تمامی روش های امنیتی و ضد اطلاعات و جعلیات مستمر کار روشنگران و بویژه انقلابیون صاحب و تولید کننده اندیشه را حساس تر میکنند. گفتنی هست که صاحب نام ترین روزنامه نگاران رسانه های جمهوری اسلامی از بدو تشکیل در اصل مامورین رسمی اطلاعاتی آنها نیز بوده و هستند.

در همین راستا است که در "دامگه حادثه" تولید میشود و پرویز ثابتی ها را در جهت اهداف خود نیز به گونه ای به خدمت میگیرند تا در همدستی با تالی اسلامی خود نسل نو مبارزین را در جهت آدرس های عوضی گم و گور کنند. کار مبارزین کارگری و انقلابیون برون مرزی در تولید نمونه های اصیل و روشن گر در هر زمینه ای که رژیم دست روی آن میگذارد صدچندان پراهمیت تر شده است. آیا زمان آن نرسیده تا تشکیل مراکزی ویژه مطلعین حوزه های گوناگون اجتماعی و سیاسی تاریخ دانان و مبارزین کارگری اقدام به تولید و نشر حقایقی در حوزه تخصصی خود کنند. ما نباید اجازه دهیم تا نسل جدید فعالان انقلابی تاریخ مبارزات و جنبش اجتماعی میهن خود را از ورای کتب سیاه رژیم ساخته تعقیب کنند. رژیم میخواهد که مبارزین جوان پای خود را روی زمین سفت و محکم از بایگانی تاریخی معتبر و مفید نگذارد. که مشغول تاریخ نویسی مجدد و این بار تاریخ به زعم اهداف و امیال آنهاست. انتشار کتب پیش از پانصد صفحه ای و همه مملو از تحریف و دروغ نویسی در مورد مشروطیت آنها هم برای خوشبختی دایناسورهای کاخ نشین از آن جمله است. جالب اینکه خود نویسنده نیک میدانند که برای نواله ای اندک و بوگندو دست به چه فجایع سیاسی ادبی و ضد انسانی

میزند. تحریف گذشته مملکتی را با چرب زبانی به دروغ و دغل در تاریخ جنبش های معاصر چون مشروطیت تبدیل میکنند. اینجاست که مسئولیت سازمانهای انقلابی و بویژه کارگری خودنمایی میکند. بهوش باشیم که کارکرد بخش تبلیغات امنیت داخلی دشمنان مردم و خصم منافع زحمتکشان شبانه روز در هجوم و تولید و تحریف فعالیت میکند. که مطلب من میگوید که علیرغم دید برخی کوه نظران که کار انقلابیون خارج از مرزهای میهن را عمده ندانسته و سمت و سوی حمله خود را همچنان علیه آنها بکار میبرند اما که من معتقدم که مبارزین و انقلابیون روشنگر مستقر در بیرون مرزهای ایران بی شک مسئولیتی پیدا کرده اند تاریخی. مقابله با دستگاه تبلیغات کارگزارش ها همگانی و وظیفه آنهاست. که درون مرزها را سانسور در حیطه اختیار وزارت اطلاعاتی ها گذارده لذا تولید روشنگران انقلابی برون مرزها اهمیت دوچندان پیدا کرده است.

نگاهی کنیم به سایت های پربار این مبارزین که جدا مقابل ماشین دروغ پردازی نوکران تروریسم از طرفی و جیره خواران کاخ نشینان و بورژوازی مال باخته سابق شجاعانه ایستاده اند. آیا میتوانیم از تشکیل ابتدا فدراسیون دفاعی مبارزین برون مرزی جهت همکاریهای دفاعی بین گروهی و سازمانی در فکر ایجاد نهادی مشترک و تبلیغی باشیم. آیا میتوان جهت افشا و رسوایی دستگاه تبلیغی و گویلیزی رژیم، انقلابیون در پیدا نمودن مخرج های مشترک این چنین همکاری کرده تا سریعاً هر هجوم تبلیغاتی دشمن مردم از جمله انتشار کتب و برنامه های تحریفی و جعلی و تاریخ سازی نسل نو مبارزین را دارای نمونه اصلی کرده و سخت به افشا همه جانبه و هم سو علیه آنان دست زنند. آیا حساسیت اوضاع را حس میکنیم. نگاهی به گذشته نشان میدهد که کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در این راستا فعال بود ولی متأسفانه جوان بودن رهبران و عدم توانایی تولید آثار اصیل تاریخی و اجتماعی (درباره شان نبود) و مراجع سیاسی اقتصاد و فلسفه و ... پتانسیل عظیمی بوجود آورده تا اگر نسل انقلابیون بهمن ۵۷ و دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی فاقد مراجع معتبر نظری بودند (سانسور حاکم) ولی اکنون به یمن یک انقلاب انفورماتیک وسیله فراهم است و سازماندهی انقلابی کار از ضرورت های زمانه. که مبارزین سیاسی برون از مرزهای میهن مسئولیت بزرگی در مقابله با ماشین دروغ پردازی و اشاعه جعلیات رژیم برعهده دارند. بد نیست کمی هم به جای کشیدن دعوی بر سر مفاهیم چگونگی جامعه سوسیالیستی آیندگان و انشعابهای بی جای حاصله کار همکاریها را برای پاسخ گویی به نیازهای کنونی به انجام رسانیم. تشکیل کمیته های دفاعی و همبستگی آنها میتواند راه را برای تشکیل بازوهای تبلیغاتی انقلابیون چپ بگشاید. چرا باید نسل جدید مبارز ایرانی با مطالعه کتاب های سیاه منتشره از سوی رژیم چون تاریخچه سراسر جعلیات وزارت اطلاعات بنام چریک های فدایی از نخستین ... گذشته جنبش انقلابی و چپ را ردیابی نماید! این مهم عملی است اگر ما بتوانیم مقابل دعوای بیمورد و انشعابات بی مورد تر درون نیروهای انقلابی (ونه همدست شاه و شیخ) بایستیم. تبلیغات حول از دست دادن مبارز پرشور شاهرخ زمانی و حال افشا دودوزه بازان و سبزه باها که دست به هویت دزدی میزنند از آن جمله است. که همکاریهای بین گروهی در مورد بزرگداشت شاهرخ احتمالاً راه را برای نزدیکی های افزون تر بگشاید. که تبلیغات موزیانه بازوهای امنیتی رژیم بربریت تلاش میکند از شاهرخ قهرمان یک اصلاح طلب بسازد، و این تازه آغاز ماجراست.

